

۱۲۷۸
۱۲۹۶۷

نگاه تطبیقی به روی کرد قرآن کریم و سیاست جمهوری اسلامی در طرح موضوع حجاب

مریم حاج عبدالباقی

چکیده: در بخش نخست این نوشتار، آیه‌های قرآنی درباره موضوع حجاب را بررسی و نتیجه آن را به شکل اصول و روش‌ها استخراج کرده‌ایم. در بخش دوم نیز با مقایسه روی کرد قرآن کریم با روش نظام جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، تفاوت‌های اساسی اوضاع اجتماعی ایران با دوران نزول قرآن را نشان داده و نقاط ضعف و قوت روش نظام جمهوری اسلامی را برشمرده‌ایم.

با توجه به این که سوره نور پس از سوره احزاب نازل شده است و سوره احزاب در آغاز، درباره حجاب و عفاف، با زنان پیامبر سخن می‌گوید، نتیجه می‌گیریم قرآن، اصل «تدرج» و روش گام به گام را رعایت کرده است. در روش قرآن، برای اقناع کسانی که خود یا همسرانشان موظفند حجاب را رعایت کنند، از روش توضیح، توجیه، استدلال و تلاش چشم‌گیر استفاده شده است. در روش قرآن هنگام بیان احکام

حجاب، اصولی هم چون آزادی و حفظ کرامت انسانی،^۱ مدارا،^۲ اعتدال و دوری از افراط و تفریط،^۳ تشویق و مثبت‌اندیشی^۴ رعایت شده است.

موضوع حجاب در قرآن در چارچوب نظام عفاف اسلامی مطرح شده است. با توجه به سوره نور و روند طرح مسائل در آن به این نتیجه می‌رسیم که در این چارچوب، حجاب، عفاف و غیرت، سه رأس مثلث عفاف در جامعه هستند.

هنگام بررسی نقاط قوت و ضعف نظام جمهوری اسلامی در اجرای قانون حجاب در جامعه ایران باید به دو تفاوت اصلی جامعه اسلامی ایران و مسلمانان صدر اسلام اشاره کنیم. تفاوت نخست، نفوذ غرب‌زدگی در ایران و شکل‌گیری این تصور است که هر چیز غربی، خوب و هر چیز شرقی، بد است.

تفاوت دوم که زیرمجموعه تفاوت اول به شمار می‌رود، پیدایش تصور منفی نسبت به حجاب است که آن را نشانه عقب‌ماندگی می‌دانند. در آسیب‌شناسی روش نظام جمهوری اسلامی در برخورد با موضوع حجاب، این موارد را می‌توان به عنوان نقطه ضعف سیاست‌های حکومت اسلامی بیان کرد: رعایت نکردن اصل «تدرج» و سیاست گام به گام در اجرای قانون پیش از بسترسازی مناسب، کم‌کاری فرهنگی و بی‌توجهی به کار فرهنگی به عنوان رکن قانون‌مند شدن اندیشه و رفتار مردم، رعایت نکردن اعتدال در اجرای احکام، بی‌توجهی به زاویه دید و اندازه‌ها در طرح احکام اسلامی، در

۱. نک: احزاب، ۲۸ و ۲۹.

۲. نک: نور، ۳۱؛ احزاب، ۵۹.

۳. نک: احزاب، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۵۵.

۴. نک: احزاب، ۳۴، ۳۵، ۵۵ و ۵۹.

هم آمیختن عادت‌ها و آداب ایرانی با حدود واجب پوشش اسلامی، اجبار غیرمسلمانان به داشتن حجاب کامل، جرام کردن برخی حلال‌ها در اجرای برنامه حجاب اجباری در جامعه.

هم چنین می‌توان گفت نقطه قوت جمهوری اسلامی در استقرار و استمرار حجاب، همان نقطه ضعف آن است که مقوله‌ای تشکیکی به شمار می‌رود. هرگاه نظام جمهوری اسلامی در هویت‌یابی برای جوانان و بازگشت به خویشتن در جامعه ایرانی و اسلامی، با ابزارهای گوناگون توفیق یافته، حجاب نیز به عنوان یکی از نشانه‌های عزت نفس شرقی و استقلال دینی و ملی تقویت نشده است. در مقابل، هرگاه از عزت‌طلبی و حفظ استقلال روحی و فرهنگی و ملی و مبارزه با غرب‌زدگی غفلت شده، حجاب هم به عنوان یکی از ابزارهای حفظ هویت فرهنگی، آسیب دیده است.

به طور کلی، رمز برآوردن هدف قرآن که در آیه‌های ۳۴ و ۳۵ سوره احزاب بیان شده، اجرای هم‌زمان این دو فرمان با هم است: نخست، حفظ متانت و وقار زنان با پرهیز از رفت‌وآمد گناه‌آلود در بیرون از خانه دوم بالا بردن سطح دانش و فرهنگ بانوان با آموزش و یادآوری. نقطه قوت دیگر جمهوری اسلامی، اثبات عملی امکان تحقق فعالیت و نشاط فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی و هنری بدون آلوده شدن به بی‌عفتی، بی‌حجابی و فساد اخلاقی است. **واژگان کلیدی:** حجاب، قرآن، جمهوری اسلامی، ایران، اصل تدرج.

مقدمه

فرهنگ‌سازی در نظام اجتماعی و ایجاد تحول فرهنگی در جامعه، تابع اصول و آیین‌هایی است که بی‌توجهی به آن اصول و زیر پا گذاشتن آن آیین، چه بسا به نتیجه عکس می‌انجامد. اسلام، یک نظام دینی است که بر فرهنگ، باورها و

اخلاق مردم، اثر بنیادین گذاشته است. به همین دلیل، با ایجاد تحول مثبت در فرهنگ و اجتماع، به کامیابی چشم‌گیری در جامعه‌های گوناگون دست یافته است. اسلام در برخورد با جامعه‌های انسانی، اصولی مانند میانه‌روی، مدارا، تدرج و حفظ کرامت و عزت انسانی و روش‌ها و آدابی مانند مهرورزی، الگوسازی و موعظه را مبنای کار خود قرار داده است.

اکنون برآنیم تا با بازبازی اصول و آدابی که پیامبر اکرم (ص) با پای‌بندی به آنها، فرهنگ حجاب را در دوران جاهلی جاری ساخت، «مسئله حجاب» را بررسی کنیم. با بررسی موضوع حجاب در قرآن و سنت پیامبر اعظم (ص)، پنجره‌های تازه‌ای به روی ما گشوده می‌شود که در ارزیابی آن‌چه تاکنون انجام داده‌ایم و راه‌یابی به آن‌چه از این پس باید انجام دهیم، نقش آفرین است.

روند طرح موضوع حجاب در قرآن کریم و اصول حاکم بر آن

اصل اول (حرکت گام به گام): بر اساس آن‌چه در کتاب‌های علوم قرآنی درباره ترتیب نزول سوره‌ها آمده، سوره احزاب پیش از سوره نور نازل شده است. این کتاب‌ها، سوره احزاب را نودمین سوره نازل شده و سوره نور را یک صد و سومین سوره برشمرده‌اند.^۵

خداوند در سوره احزاب در زمینه عفاف و حجاب، ابتدا برای زنان پیامبر اعظم (ص) و سپس زنان مسلمان فرهنگ‌سازی کرده است:

«یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین»؛^۶

ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌هایشان (مقنعه‌ها یا چادرهایشان) را بر خود نزدیک کنند.

۵. بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، برهان، ج، ص ۱۹۳؛ جلال‌الدین عبدالرحمان

سیوطی، اتقان، ج ۱، ص ۷۶؛ محمد هادی معرفت، تمهید، ج ۱، ص ۱۷۲.

۶. احزاب، ۵۹.

بدین ترتیب، دایره طرح حجاب از خانواده پیامبر آغاز شده و به زنان جامعه اسلامی گسترش یافته است.

بر اساس برخی شأن نزول‌ها، بهانه طرح برخی جنبه‌های حاکمیت عفاف در جامعه، یعنی مسئله «افک» در سوره نور، یکی از همسران پیامبر اعظم (ص) است،^۷ ولی احکام حجاب برای همه مردان و زنان مؤمن مطرح می‌شود و مخاطب آن تنها خاندان رسول اکرم (ص) نیستند. در حقیقت، پیامبر اسلام با معرفی نمونه عینی و الگوی عملی حجاب در سطح خانواده خویش، جنبه‌های عملی و نکته‌های مهم حجاب را به نمایش گذاشت تا اجرای آن در جامعه با سرعت صورت پذیرد. به عبارت دقیق‌تر، مردم با در اختیار داشتن الگوی دقیق و عینی، تکلیف خود را فهمیدند و رفتار متقابل خانواده پیامبر و آن حضرت با یک‌دیگر در این زمینه، پذیرش این رفتار جدید را برای مسلمانان آسان‌تر ساخت. به این ترتیب، پیامبر، چیزی را از مردم خواست که خود پیش از هر کسی برای اجرای آن پیش قدم شد. ایشان با این کار، کلام خدا را که می‌فرماید: «لم تقولون ما لا تفعلون؛ چرا چیزی را که عمل نمی‌کنید، بر زبان می‌آورید»،^۸ تفسیر کرد و به منافقان فرصت شبهه افکنی نداد.^۹ پس نتیجه می‌گیریم که خداوند در قرآن، اصل حرکت گام به گام را در بیان احکام رعایت کرده است.

اصل دوم (شفافیت در بیان): در سوره احزاب، احکام عفاف و حجاب با توضیح، توجیه و تفهیم بیشتری بیان شده و لحن و آهنگ بیان نیز نرم‌تر، تشویق‌آمیزتر و موعظه‌وارتر است، ولی در سوره نور، قاطعیت و قانون‌گذاری، پررنگ‌تر است و در بیان حکمت و فلسفه آن، رنگ توضیح، موعظه و تشویق

۷. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۹۸ و ۹۹؛ سید محمد آلوسی، روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۸. صف، ۲.

۹. احزاب، ۶۰.

رو به کاستی گذاشته است. در عبارات های سوره احزاب چنین مواردی به چشم می خورد:

۱. «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء»^{۱۰}؛

ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از دیگر زنان نیستید، اگر تقوا پیشه کنید.

۲. «فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض»^{۱۱}؛

پس لحن سخن خود را نرم نکنید تا آن کس که در قلبش بیماری است، به طمع نیافتد.

۳. «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن»^{۱۲}؛

این برای پاکیزگی قلب شما و قلب های آنان بهتر است.

۴. «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین»^{۱۳}؛

آن (رعایت پوشش با جلباب) به این که به خوبی شناخته شوند و آزار نینند، نزدیک تر است.

ولی در سوره نور، چنین تعبیری، یک بار به چشم می خورد:

«ذلک ازکی لهم»^{۱۴}؛

آن (پایین انداختن چشم ها) برای ایشان پاکیزه تر است.

بدین ترتیب، لحن بیان آیه ها به سمت قانون گذاری و

توصیه های جدی تر تغییر می کند، مانند:

۱. آیه های آغازین سوره که حکم زنا، قذف و لعان را مطرح می کند.

۲. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم... و قل للمؤمنات

۱۰. احزاب، ۳۲.

۱۱. احزاب، ۳۲.

۱۲. احزاب، ۵۳.

۱۳. احزاب، ۵۹.

۱۴. نور، ۳۰.

یغضضن من ابصارهن ... « ۱۵ »؛

و به مردان مؤمن بگو چشم فرو دارند... و به زنان مؤمن بگو چشم فرو دارند....

۳. « لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم والذین لم یبلغوا الحلم منکم... » « ۱۶ »؛

باید که بردگان و کودکان زیر سن بلوغ (برای ورود به حریم خصوصی شما) از شما اجازه بگیرند.

۴. « واذ بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستأذنوا کما استأذین الذین من قبلهم » « ۱۷ »؛

آن گاه که کودکان به سن بلوغ رسیدند، هم چنان باید اجازه بگیرند، مانند کسانی که پیش از آنان، اجازه می گرفتند.

۵. « فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهن » « ۱۸ »؛

بر زنان بازنشسته ای که امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش های خود را وانهند...

باید گفت یکی از دلیل های تفاوت لحن دو سوره، توجه ویژه به زنان پیامبر

و حرمت گذاری ویژه به ساحت پیامبر اکرم (ص) است؛ زیرا آنان به گونه ای

معرف شخصیت پیامبرند و رفتارشان در داوری افکار عمومی نسبت به پیامبر،

اثرگذار است. به همین دلیل، قرآن، آشکارا خطا و ثواب آنان را دو برابر خوانده

است؛^{۱۹} زیرا یک شخصیت حقیقی و یک شخصیت حقوقی دارند. شخصیت

۱۵. نور، ۳۰ و ۳۱.

۱۶. نور، ۵۸.

۱۷. نور، ۵۹.

۱۸. نور، ۶۰.

۱۹. احزاب، ۳۰ و ۳۱.

حقوقی آنان، همسری پیامبر است. هم چنین حرمت ویژه‌ای در رفتار و گفتار برای آنان قائل شده است تا مسلمانان پیام‌زند خانواده پیامبر نیز که به شخص ایشان منسوب هستند، از حرمت ویژه‌ای برخوردارند.^{۲۰} یکی از نشانه‌های این حرمت آن است که قرآن، همسران پیامبر (ص) را مادران مؤمنان می‌داند^{۲۱} و پس از پیامبر (ص)، هیچ کس حق ازدواج با آنان را ندارد.^{۲۲}

خداوند در عبارت «ذلک ادنی ان يعرفن فلا یؤذین»^{۲۳} به حکمت سفارش به حجاب اشاره و بیان می‌کند که زنان از رعایت حجاب بیشترین سود را می‌برند. جمله ماندگار استاد مطهری مبنی بر این که «حجاب، مصونیت است، نه محدودیت»، با بیان این آیه هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که چنین رفتار و پوششی با مصون ماندن از آزارها و حفظ شخصیت انسانی زن سازگارتر است. در بیان قرآن، دفع ضرر محتمل و این قاعده عقلایی که «برای دفع یک خطر بزرگ احتمالی، تحمل برخی ضررهای کوچک مانعی ندارد»، مبنا قرار گرفته است.

حجاب، به خودی خود، محدودیت و آزاری تحمل‌پذیر است، ولی چون خطرهای بزرگ و ضررهای جبران‌ناپذیر را دفع می‌کند یا از خطر آن می‌کاهد، ارزش‌مند است. در آیه ۳۲ سوره احزاب، در عبارت «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض»، اشاره عقلی دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد اگر زن رفتاری نامناسب با شأن خود داشته باشد و با گفتار، پوشش و نگاه، مردان را تحریک کند، خودش دچار آسیب می‌شود. همه مردان جامعه از چنین رفتاری از سوی زنان، تحریک نمی‌شوند، ولی وقتی احتمال عقلایی وجود دارد که درصدی از مردان جامعه که به گفته قرآن، بیمار

۲۰. احزاب، ۳۲.

۲۱. احزاب، ۶.

۲۲. احزاب، ۵۳.

۲۳. احزاب، ۵۹.

هستند و آستانه تحریک پابینی دارند، دچار طمع شوند و برای زن و جامعه خطر بیافرینند، کافی است تا همه زنان با رعایت احتیاط، خود را از این گزند حفظ کنند.

روش قرآن، در آیه‌های حجاب (احزاب، ۳۲ و ۵۹)، آیه رعایت حریم زن و مرد (احزاب، ۵۳) آیه‌های مربوط به تفهیم مسئولیت سنگین زنان پیامبر به دلیل انتسابشان به پیامبر (احزاب ۳۰ و ۳۱)، طرح شفاف موضوع و بیان توضیح روشن و ارائه استدلال قانع کننده است.

پیش از پرداختن به روش‌ها و اصول دیگری که قرآن در طرح موضوع حجاب و عفاف به آنها توجه کرده است، چند نمونه قرآنی برای دو اصل سیاست گام به گام و شفافیت اعلام حکم می‌آوریم:

حرمت شراب، در چهار مرحله گام به گام، اعلام شده است.

۱. ابتدا آیه ۶۷ سوره نحل به این نکته اشاره می‌کند که «سکر» نقطه مقابل

«رزق حسن» است؛

۲. در مرحله دوم، در آیه ۴۳ سوره نساء، مسلمانان را از نماز خواندن در

حال مستی باز می‌دارد؛

۳. آن‌گاه در مرحله سوم، در آیه ۲۱۹ سوره بقره با اشاره به منافع متخدد و

و گناه بزرگ شراب و قمار، برای نخستین بار آن را گناه می‌شمارد؛

۴. مرحله چهارم، در آیه ۹۰ سوره مائده، بالحنی محکم‌تر، شراب و

قمار را رجس و شیطانی معرفی می‌کند.

در آیه‌های یاد شده، روش کاربرد استدلال، تفهیم و توجیه، به روشنی

دیده می‌شود. بدین ترتیب که:

۱. آیه اول نشان می‌دهد «سکر» نمی‌تواند حسن و نیکو باشد؛

۲. در آیه بعد، دلیل پرهیز از مستی در حال نماز، به روشنی بیان شده

است: «تا بفهمید چه می‌گویید»؛

۳. در آیه سوم گفته شده است خداوند می داند شراب و قمار، سودهایی

دارد، ولی گناه آنها از منافع شان بیشتر و بزرگ تر است؛

۴. در مرحله نهایی نیز دلایل لزوم پرهیز از شراب و خمر آورده شده

است، به این ترتیب که شراب را مایه ایجاد دشمنی و کینه میان مسلمانان و بازداشتن انسان از یاد خدا و نماز می داند.

لحن موعظه گر آیه در سوره نساء، بقره و مائده به چشم می خورد، مانند

آن که پرداختن به چنین کارهایی را به شیطان نسبت می دهد و حالت موعظه آن بیشتر می شود.

نمونه دیگر این روش، در دیدار حضرت موسی (ع) با خضر (ع) به چشم

می خورد. در آن جا نیز سه مرحله وجود دارد که گام به گام سخت تر می شود و

به ضرب المثل های عامیانه درباره «سه مرتبه» بودن کارها، ریشه قرآنی

می بخشد. در داستان موسی (ع) و خضر (ع)، ابتدا موسی (ع) به خضر

اعتراض می کند، ولی خضر در دفاع از خود می گوید:

«الم اقل انک لن تسطیع معی صبرا»^{۲۴}

نگفتم نمی توانی با من صبر کنی؟

موسی فرصت می طلبد. بار دوم، موسی با وجود این که با کار به ظاهر

عجیب تری روبه رو شده است، شبیه به حالت اول می گوید: «عجب کار

نامتعارفی انجام دادی.» خضر کمی محکم تر از بار نخست دفاع می کند و

می گوید:

«لم اقل لک انک لن تسطیع معی صبرا»^{۲۵}

به تو نگفتم نمی توانی با من صبر کنی؟

و برای موسی ضرب الاجل اعلام می کند. بار سوم، موسی اعتراضی

۲۴. کهف، ۷۲.

۲۵. کهف، ۷۵.

مبارزه وقتی نتیجه بخش است که به جای مبارزه با معلول، با علت مبارزه شود؛ یعنی در صورت مبارزه با غرب زدگی و پررنگ کردن ارزش های خودی و هیویت ایرانی، بدون پرداختن مستقیم به حجاب، زنان بیشتر به حجاب روی می آورند.

غیرمستقیم و تلویحی نشان می دهد، ولی خضر، قاطعانه اعلام جدایی می کند. ۲۶

در برخورد ملکه سبا با حضرت سلیمان (ع) نیز سه مرحله به چشم می خورد:
 ۱. ابتدا سلیمان با فرستادن نامه و اثرگذاری بر فکر ملکه سبا، دعوت خود را اعلام می کند؛ ۲۷

۲. در مرحله دوم، سلیمان (ع) با آوردن تخت ملکه سبا و تغییر ظاهری آن می کوشد ملکه سبا را از مقام الهی خویش آگاه کند؛ ۲۸

۳. در مرحله آخر، سلیمان (ع) با دعوت کردن ملکه سبا به کوشک آبیگینه، او را هدایت می کند. ۲۹

اصل سوم (آزادی و حریت): در سوره احزاب نیز ابتدا پیش از آن که احکام ویژه عفاف و حجاب درباره زنان پیامبر اکرم (ص) و بقیه زنان مطرح شود، به زنان پیامبر اکرم (ص) اختیار داده شد از زندگی راحت و پر زرق و برق دنیوی و زندگی پر مسئولیت و زاهدانه و روحانی در کنار پیامبر، یکی را

۲۶. کهف، ۷۸.

۲۷. نمل، ۲۸، ۳۱.

۲۸. نمل، ۳۸، ۴۳.

۲۹. نمل، ۴۴.

برگزینند. هم چنین آنها می توانستند با انتخاب زندگی بدون پیامبر، از مهریه و هدیه پیامبر، بهره مند و به زیبایی و خوبی و خوشی از پیامبر جدا شوند.^{۳۰} از این بحث می توان دریافت در قرآن، بیان احکام با رعایت اصل آزادی و حفظ کرامت و عزت انسانی صورت می گیرد.

اصل چهارم (مدار): بیان قرآن در سوره احزاب و در آیه حجاب سوره نور، به وعید و عذاب دوزخ پایان نمی یابد، بلکه خداوند در آیه ۵۹ سوره احزاب می فرماید:

«والله غفور رحیم»؛

خداوند، آمرزنده و مهربان است.

هم چنین در آیه ۳۱ سوره نور می فرماید:

«وتوبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون»

و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید. شاید رستگار شوید.

نتیجه کلی آن است که اصل مدارا در بیان حکم قرآنی حجاب، رعایت شده است.

اصل پنجم (اعتدال): در سوره احزاب، وقتی خداوند وظایف حساس زنان پیامبر را به آنان گوشزد می کند و از آنها می خواهد از تبرج جاهلی پرهیزند و در خانه هایشان بمانند، آنان را در رسیدن به مقام های معنوی و انسانی، با مردان برابر و مآجور عندالله می خواند تا بدانند این خانه نشینی، مانعی برای پیشرفت آنها نیست.^{۳۱}

خداوند با بیان دستوری دقیق، از پی آمدهای منفی خانه نشینی زنان جلوگیری می کند که همانا محدود شدن دنیای آنان به چار دیواری خانه

۳۰. احزاب، ۲۸ و ۲۹.

۳۱. احزاب، ۳۳، ۳۵.

است. ^{۳۲} به این ترتیب، از ایجاد سوء تفاهم، شبهه و عقده در زنانی که وظیفه دارند فرمان قرآن را اجرا کنند، جلوگیری می‌کند. ^{۳۳}

بدین ترتیب درمی‌یابیم که قرآن در کنار بهره‌گیری از روش تشویق ^{۳۴} در بیان حکم، با بیان راه‌کار صحیح، از پی‌آمدهای منفی اجرای قانون و افراط و تفریط در آن جلوگیری کرده است تا اصل اعتدال و دوری از افراط و تفریط، رعایت شود.

اصل ششم (نگاه سیستماتیک): در قرآن، موضوع حجاب، در چارچوب عفاف و حیا در جامعه طرح شده و خداوند، حجاب را موضوعی جدا از دیگر موضوع‌ها ندانسته است. اکنون روند طرح موضوع حجاب و عفاف در سوره نور را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:

۱. بیان حد زنا (ترمز و خط قرمزی برای جلوگیری از فساد و فحشا) و سخت‌گیری بر زناکاران به چند صورت؛
 ۲. بیان حد قذف (به عنوان مکمل مبارزه با فحشا از راه سخت‌گیری قانونی)؛

۳. بیان لعان و قانون و احکام آن؛

۴. بیان افک و آموزش دادن به اعضای جامعه در زمینه شناخت برخورد درست یا نادرست با چنین روی دادهایی؛

۵. حکم شیوع فاحشه و آثار آن؛

۶. موعظه مؤمنان برای پیروی نکردن از نقشه‌های شیطان؛

۷. تأکید مجدد بر آثار منفی قذف در دنیا و آخرت؛

۸. همتایی مردان پاک با زنان پاک و مردان ناپاک با زنان ناپاک؛

۳۲. احزاب، ۳۴.

۳۳. احزاب، ۳۵.

۳۴. احزاب، ۳۵.

۹. نهی از ورود به خانه ناآشنایان جز با اجازه و اعلام؛
۱۰. بیان اجازه ورود به خانه‌های عمومی و غیرمسکونی؛
۱۱. بیان لزوم عفاف چشم و پوشاندن ناموس و عورت برای مردان مؤمن؛
۱۲. بیان لزوم پوشانیدن زینت‌ها برای زنان و بیان استثنای آن؛
۱۳. بیان لزوم پوشانیدن گریبان با مقنعه از سوی زنان؛
۱۴. بیان لزوم پانکوبیدن برای پنهان ماندن زینت‌های پنهان؛
۱۵. بیان لزوم فراهم کردن اسباب ازدواج مجردها؛
۱۶. بیان لزوم عفت ورزیدن مجردها تا فراهم شدن زمینه ازدواج؛
۱۷. بیان لزوم کسب اجازه کودکان و بردگان برای ورود به اتاق پدر و مادر؛
۱۸. بیان لزوم کسب اجازه فرزندان پس از بلوغ برای ورود به اتاق پدر و مادر؛

۱۹. بیان اجازه رفع حجاب زنان بازنشسته و ناامید از ازدواج (مسن) به شرط نداشتن زینت.

زمخشری در کشاف به حسن تربیت قرآن در سوره نور در موضوع حجاب اشاره کرده است. قرآن، نظام کامل عفاف و حیا را که ویژگی‌های گوناگونی دارد، ترسیم کرده است که یکی از ویژگی‌های این نظام، پوشش ویژه زنان در کنار دوری از زینت و تبرج است. بی‌شک، رعایت حجاب در چارچوب ترسیم شده از سوی قرآن، ثمربخش خواهد بود. باید دانست این نظام در سوره احزاب نیز رعایت شده است. در آیه ۳۲ و ۳۳، بحث چگونگی سخن گفتن با مردان، پرهیز از تبرج، حفظ متانت و ترجیح دادن خانه‌نشینی را مطرح می‌کند. در آیه ۵۳، به مردان و زنان می‌آموزد که چگونه با هم معاشرت داشته باشند و اختلاط و انس گرفتن گفتاری را به کمترین حد خود برسانند. در آیه ۵۹ نیز بحث پوشش را برای زنان مطرح می‌کند.

گفتنی است رژیم پهلوی در قضیه «کشف حجاب»^{۳۵} به خوبی از وجود پیوند تنگاتنگ میان اجزای عفاف در جامعه، آگاه بود. از این رو، از یک سو، بی‌شرمانه و مستبدانه، پوشش را از سر زنان برداشت^{۳۶} و از سوی دیگر، زنان و مردان را تشویق کرد که در محفل‌های عمومی و خصوصی به دوستی و اختلاط با یکدیگر پردازند.^{۳۷} رژیم پهلوی می‌دانست که معاشرت و پوشش بدون یکدیگر کامل نمی‌شوند.

اصل هفتم (نگاه جامع): حجاب در قرآن، وظیفه زنان مؤمن است و غیرت مردان مؤمن، آن را تکمیل می‌کند: «ونساء المؤمنین»؛ زیرا می‌توانست بگوید: «زنان مسلمان»، ولی فرمود: «زنان مردان مؤمن». باید دانست این دستور، نوعی ارزش بخشی به آنان است، نه آن‌که همه زنان جامعه از یهودی، مسیحی و دیگر دین‌ها ملزم به رعایت حجاب باشند.

در واقع، زن مسلمان، با رعایت دستور حجاب بر اساس روش قرآنی به خوبی با دیگران رابطه برقرار می‌کند و نه تنها احساس اجبار نمی‌کند، بلکه حس عزت نفس و کرامت او هم ارضا می‌شود. گویی حجاب اسلامی، جایگاهی چنان والا برای زنان مسلمان به وجود می‌آورد که زنان غیرمسلمان به آن دست نمی‌یابند. هم‌چنین این دستور نشان می‌دهد که افزون بر نقش آفرینی عفاف و حیا در زنان برای اجرای حکم حجاب، غیرت و ناموس پرستی مردان مسلمان نیز در این زمینه نقش دارد. اگر در جامعه‌ای بر عفاف و حیا از یک سو

۳۵. امام خمینی (ره) در کشف الاسرار به خوبی نشان می‌دهد که کشف حجاب، نقشه اجانب برای قطع ریشه‌های مبارزه با استعمار در ایران است. نک: کشف الاسرار، ص ۲۳۰ به بعد.

۳۶. صلاح، کشف حجاب زمینه‌ها و پی‌آمدها، صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی، تغییر لباس و کشف حجاب، سند ۵۶، ص ۱۴۴؛ واقعه کشف حجاب، سند شماره ۱۴۵، ص ۳۰۴.

۳۷. همان، سند ۷۲ و ۵۴۰ و اسناد دیگر.

و غیرت و تعصب به جا از سوی دیگر تمرکز شود، حجاب بیرونی با این دو عامل درونی، جمع و زنجیره عفاف کامل می شود. آن گاه جامعه رنگ صلاح به خود می گیرد.

مقایسه روی کرد قرآن کریم و سیاست نظام جمهوری اسلامی در طرح موضوع حجاب

در یک نگاه کلی، نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه عفاف و حجاب به پیروزی های بزرگی دست یافته است؛ زیرا این نظام در عمل نشان داد که امکان دارد زنان جامعه راهی دانشگاه شوند و مراحل عالی تحصیلی را پیمایند و حتی به مقام استادی دانشگاه برسند، ولی حجاب و عفاف خود را حفظ کنند.

در پرتو جمهوری اسلامی، زنان می توانند در زمینه های گوناگون اجتماعی نقش آفرینی کنند؛ در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، هنری و سیاسی شرکت فعال داشته باشند؛ در انتخابات و راه پیمایی ها، پا به پای مردان حاضر شوند و در دوران جنگ تحمیلی، با پشتیبانی از جنگ و تقویت روحیه شهادت طلبی، الگو آفرینی کنند. هم چنین این انقلاب ثابت کرد می توان سینمای بدون فساد ایجاد کرد و فعالیت های هنری را از محوریت جاذبه های جنسی زنانه خارج کرد. در واقع، جمهوری اسلامی توانست آیه ۳۴ و ۳۵ سوره احزاب را که از یک سو، به خانه نشینی و حفظ وقار و از سوی دیگر، به تعلیم و تذکر دستور می دهد، با هم اجرا کند. در این میان باید دانست نظام جمهوری اسلامی نمی تواند همه افراد جامعه را هم عقیده یا هم سلیقه خود سازد. از این رو، نقطه قوت دیگر این نظام، پای بندی به اصول و دست برداشتن از قاطعیت در اجرای احکام اسلام به خاطر حفظ منافع مادی است.

تفاوت های جامعه ایران و جامعه دوران پیامبر اعظم (ص)

تفاوت اول: میان فرهنگ حاکم بر جامعه ایران در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و فرهنگ حاکم بر مردم دوران جاهلیت تفاوت های اساسی وجود دارد که اکنون برمی شماریم:

بزرگان و خبرگان تعلیم و تربیت بر این باورند که آموزش افرادی که ذهنشان از موضوعی که قرار است درباره آن آموزش ببینند، تهی است، از آموزش کسانی که آموخته های ناقص یا غلط در ذهن دارند، بسیار ساده تر است. مقایسه وضعیت دوران پیامبر اکرم (ص) با دوران حضرت علی (ع)، گواهی بر این موضوع است. حضرت رسول اکرم (ص) به علی (ع) می فرماید:

یا علی! مردم با من بر سر تنزیل قرآن به جنگ برخاستند، ولی

با تو بر سر تأویل قرآن خواهند جنگید. ۳۸

پیامبر باید جامعه ای را که با مفهوم وحی و قرآن بیگانه بود، به دین داری فرا می خواند، ولی حضرت علی (ع) باید جامعه ای را که به کج فهمی دینی دچار شده و تزلزل به ارکان دینی آن راه یافته بود، اصلاح می کرد و به سوی دین حقیقی ره نمون می ساخت که بی شک، این کار بسیار پیچیده تر بود.

در جامعه ایران، با توجه به حجم گسترده تبلیغات رژیم پهلوی در زمینه کشف حجاب، غرب زدگی عمومی مردم و رفتار دین داران، مردم با مفهوم حجاب، بیگانه نبودند. با این حال، انتظار نمی رفت با تلاش ساده حکومت اسلامی، با معنا، ضرورت و جنبه های گوناگون آن بطور کامل آشنا شوند و دوباره به راحتی حجاب را بپذیرند؛ زیرا به شبهه و ذهنیت منفی دچار شده بودند. از یک سو، در نگاه بسیاری از زنان و مردان تحصیل کرده، حجاب نشانه

۳۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۳، ص ۲۱۸.

عقب ماندگی و بی حجابی نشانه پیشرفت بود. از سوی دیگر، در نگاه گروهی دیگر، همه دین، در برداشت های خشک و انعطاف ناپذیر از دین و شکل ظاهری حجاب خلاصه می شد و پوسته بدون مغزی از شریعت بر رفتارها و ذهنیت آنان حاکم شده بود. در این میان، شمار اندکی از افراد جامعه توانسته بودند خود را از گزند غرب زدگی و تبلیغات منفی رژیم پهلوی در امان نگاه دارند و به خشک اندیشی نیز دچار نشوند.

برای مبارزه با یک پدیده، باید ریشه های آن را شناسایی کرد. سپس با خشکانیدن ریشه ها، آن پدیده خود به خود نابود می شود. می دانیم که ریشه بی حجابی در ایران، آغاز دسیسه های استعمار غرب برای سلطه بی دغدغه بر منابع کشور بود؛ زیرا می دانستند وقتی ما را از درون تهی کنند، به راحتی فرهنگ آنان را می پذیریم و تسلیم آنان می شویم.^{۳۹} غرب زدگی سردمداران حکومت های قاجار و پهلوی شیفتگی کارگزاران امور اجتماعی، فرهنگی و هنری در برابر ارزش ها و معیارهای غربی را باید دومین عامل بی حجابی دانست. رضاشاه در خرداد ۱۳۱۴ روزی هیئت دولت را احضار کرد و گفت: «ما باید صورتاً و ستاً غربی بشویم.»^{۴۰} وی هم چنین گفته بود: «دوست ندارم تمجید و تعریف از غرب را بشنوم. دوست دارم خودمان غربی بشویم.» بهترین راه مبارزه با این پدیده ناخواسته، مبارزه با غرب زدگی است. غرب زدگی به عمق روابط و مناسبات اجتماعی و ارزش ها و معیارهای فرهنگی ما نفوذ کرده و یکی از جنبه های آن نگاه سودجویانه به زن و دریدن پرده های عفاف است. مبارزه وقتی نتیجه بخش است که به جای مبارزه با

۳۹. نک: تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۳۲-۸۸؛ کشف الاسرار، ص ۳۳۰ به بعد.

۴۰. واقعه کشف حجاب، ص ۲۱، به نقل از: یحیی دولت آبادی و دیگران، خاطرات توران امیر سلیمانی.

معلول، با علت مبارزه شود؛ یعنی در صورت مبارزه با غرب زدگی و پررنگ کردن ارزش های خودی و هویت ایرانی، بدون پرداختن مستقیم به حجاب، زنان بیشتر به حجاب روی می آورند. برای نمونه، آگاهی بخشی مؤسسه حسینییه ارشاد و شخص دکتر علی شریعتی با طرح نظریه «بازگشت به خویش» سبب شد جوانان با هویت ایرانی، اسلامی و شرقی خویش آشنا شوند، به گونه ای که جوان دیگر حاضر نمی شد به راحتی از مظاهر غرب استفاده کند، شلوار لی بپوشد و تیپ غربی را انتخاب کند. چنین جوانی کم کم برای اثبات هویت خویش به لباس و فرهنگ خود رو می آورد و احساس می کرد از این راه بر نفوذ استعمار غرب و غرب زدگی خط بطلان می کشد و خود را اثبات می کند.^{۴۱}

افزون بر آن، امام خمینی (ره) پیش و بیش از همه باور کرده بود که این باور را در مریدان و پیروانش تقویت می کرد و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» او سبب شد زن ها حجاب بر سر، به خیل مردم مؤمن به روح الله بپیوندند.

در گزارش ساواک در دی ماه ۱۳۵۶ آمده است:

در سنوات اخیر، موج جدیدی برای استفاده از چادر و مقنعه در بین تعدادی از خانواده ها به وجود آمده. مشاهده می گردد که گروهی از دختران خردسال و جوان از چادر و مقنعه استفاده می نمایند و حتی دامنه آن به سطح مراکز عالی آموزشی کشانیده شده به نحوی که افزایش آن نسبت به سال های قبل در اغلب مجامع و خیابان ها کاملاً محسوس است. به موازات این تغییر ظاهری، گرایشات مذهبی نیز فزونی یافته است.^{۴۲}

۴۱. نک: علی شریعتی، بازگشت به خویش.

۴۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۸۶.

در این میان، رفته رفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای روشن کردن زاویه های پدیده غرب زدگی نه تنها کار فرهنگی عمیق و مؤثر به ویژه از طریق صدا و سیما و مطبوعات انجام نشد، بلکه روند غرب زدگی از چند سو شدت یافت که آن را برمی شماریم:

۱. به دلیل پیشرفت کنترل ناشدنی کامپیوتر، اینترنت، ماهواره و ارتباطات و تبادل لحظه ای اطلاعات و مسئله «جهانی شدن» از نوع امپریالیستی آن، تهاجم فرهنگی غرب شدت گرفت که رهبر انقلاب از آن به «شیخون فرهنگی» یاد کرد. علامه شعرانی در تعلیق به تفسیر منهج الصادقین می نویسد:

مردم زمان ما می پندارند کشف حجاب زنان از لوازم ترقی بشر است، مانند ترقی علوم و صنایع و آزادی رعیت و محدود ساختن ولایه، ولی این سخن غلط است و رفع حجاب هم مانند شیوع مسکرات و رواج فحشا و قمار به علت غلبه نصارا است و تقلید ضعیف از قوی، ارتباط با ترقی بشر ندارد.^{۴۳}

۲. بیشتر کسانی که مسئولیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری را برعهده داشتند، به سه گروه تقسیم می شوند:

الف) کسانی که غرب زده نبودند، ولی از چگونگی بستن راه های نفوذ غرب زدگی و چگونگی هویت آفرینی برای مردم آگاهی نداشتند که بیشتر مسئولان از این دسته بودند؛

ب) کسانی که نسبت به این پدیده و آثار شوم آن، بی اعتنا یا از اهمیت این مسئله، بی خبر بودند و آن را توهم می پنداشتند؛

ج) کسانی که خود غرب زده بودند و خواسته یا ناخواسته با محصولات فرهنگی و هنری خود یا تصمیم های فرهنگی و اجتماعی خویش، زمینه

۴۳. فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۷، ص ۳۶۸.

غرب زدگی را همواره می کردند که اقلیت را تشکیل می دادند.

۳. اشتباه و نقاط ضعف نظام جمهوری اسلامی نیز خواسته یا ناخواسته سبب گریز جوانان و تحصیل کردگان از نظام و در غلتیدن آنان به دامان بیگانگان می شود. برای نمونه، ضعف در جنبه های علمی و پژوهشی سبب می شود جوانان دانش پژوه، زمینه پژوهش و پیش رفت علمی و تحصیلی را در خارج از ایران دنبال کنند. ضعف سیاسی نظام نیز آن است که صدای مخالف را بر نمی تابد و چند صدایی را هرج و مرج می پندارد. نمونه ضعف اقتصادی و اجتماعی نیز آن است که وقتی یک ایرانی، خودرویی ساخت ایران را با خودروی خارجی ساخت کشوری حتی آسیایی مانند کره جنوبی مقایسه می کند، درمی یابد که خودروی ساخت ایران کاستی های بی شماری دارد که تنها به دلیل سهل انگاری و بی توجهی در سیستم تولید، کنترل یا توزیع، رخ داده است. بدین ترتیب، شهروندان از تولید ایرانی بیزار می شوند و به محصولات غربی روی می آورند.

تفاوت دوم: در جامعه ایران، تبلیغات منفی رژیم شاه که چادر را «کفن سیاه» می نامید^{۴۴} و «کشف حجاب» را «پاره کردن سند رقیب زنان» می خواند، ذهن ها را پر آشوب ساخته بود. با توجه به گسترش روزافزون تبادل اطلاعات از راه ماهواره، اینترنت و فیلم های گوناگون و سیل تبلیغات فمینیستی و اومانیستی، روز به روز بر حجم چنین تبلیغاتی افزوده شده است.

چون سیاست گذاران جامعه بر خلاف پیامبر از وحی و عصمت بهره مند نبودند، در زمان تجربه کردن حاکمیت دینی، آن چه به جامعه عرضه کردند، از اشتباه و کاستی به دور نبود. افزون بر آن، نظام جمهوری اسلامی در جهان معاصر، بی یاور بوده و با هجمه ای از انتقاد، ریش خند، دشمنی، توطئه،

۴۴. مجله ایران شهر، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۶۸۷.

سکوت یا بی‌اعتنایی از آن سوی مرزها روبه‌رو می‌شد و می‌شود.

در صدر اسلام، با چاره‌اندیشی قرآن که پیش‌تر به آن پرداخته شد، زنان، حجاب را به راحتی پذیرفتند و حتی حجاب را نشانه شخصیت‌بخشی و آزادمندی خود پنداشتند. از ام سلمه و عایشه نقل شده است هنگامی که آیه حجاب نازل شد، زنان انصار به نحوی از خانه بیرون می‌آمدند که گویی بر سر آنان کلاهی نشسته از سکینه و وقار آنان و کیسه سیاهی که بر تن می‌کردند.^{۴۵} هم‌چنین توجه به آیه‌های پیش و پس آیه حجاب که درباره آزار مردان و زنان مؤمن و سوء استفاده منافقان انبیت، نشان می‌دهد که جامعه ایمانی برای دفع آزار یاوه‌گویان، از حجاب استقبال کرده است. در بسیاری از تفسیرها دریان شأن نزول آیه‌ها به این مسئله اشاره شده است که افراد فاسد، شب‌ها سر راه زنان، کمین و به آنان تعرض می‌کردند. پس صدور دستور حجاب برای کاستن از تعدی و احتمال آزار آنان بود.^{۴۶} البته در برخی تفسیرها چنین توجیه می‌شود که برای مشخص شدن زنان آزاد مسلمان از زنان کنیز و زنان غیرمسلمان، دستور حجاب داده شد تا مفسدان به زنان مسلمان آزار نرسانند، ولی در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد.^{۴۷} برخی دیگر از مفسران این نظریه را مردود می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که زنان مؤمن شامل زنان آزاد و برده می‌شود و امکان فتنه برای زن برده بیشتر است؛ چون بیشتر در محیط‌های اجتماعی ظاهر می‌شود و او را خرید و فروش می‌کنند. پس خارج کردن کنیزان از عموم اطلاق آیه به دلیل واضح نیاز دارد.^{۴۸} علامه طباطبایی می‌نویسد:

پوشانیدن همه بدن به این که اهل پوشش و صلاح شناخته

۴۵. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۶؛ روح المعانی، ج ۲۱، ص ۸۹۰.

۴۶. منهج الصادقین، ج ۷، ص ۳۶۸.

۴۷. منهج الصادقین؛ جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۳۲ و تفاسیر متعدد دیگر.

۴۸. ابوحیان، البحر المحیط، ذیل آیه.

اهمیت دادن به ضرورت کاربرد روسری و پوشش، پیش از توجه به تحریک آمیز نبودن رفتار و پوشش، سبب می شود افرادی که ضرورت موضوع برای آنان تبیین نشده است، برای مقابله با طرح نظام، به رفتارهای منفی مانند آرایش های غلیظ و اغراق آمیز چهره روی آورند.

شوند و اذیت نشوند؛ یعنی اهل فسق، آنان را اذیت نکنند و متعرض آنان نشوند، نزدیک تر است و قول ضعیفی هم هست که می گوید زنان آزاده مسلمان از طریق پوشش، از بردگان و غیر مسلمانان متمایز شوند و دیگر به تصور این که آنان آزاد نیستند، آنان را مورد تعرض قرار ندهند.^{۴۹}

سپس می فرماید قول اول درست تر می داند.

حال که چنین تفاوت آشکاری میان دید عمومی جامعه ایران نسبت به پوشش سراسری بانوان و دید عمومی مردم مسلمان صدر اسلام وجود دارد، عقل حکم می کند روش طرح و اجرای حکم اسلامی و پوشش در جامعه ایران متفاوت باشد و ظرافت های بیشتری در آن رعایت شود.

وظیفه نظام پیش از توسل به قانون، فرهنگ سازی گسترده با کمک صدا و سیما، سینما و مطبوعات در سطح کودکانها، مدرسه ها، دانشگاه ها و در مرحله بعد، در سطح جامعه برای موجه جلوه دادن حجاب و پاک کردن ساحت آن از شبهه هاست. نمونه فرهنگ سازی در کشورهای غربی آن است که وقتی در

امریکا متوجه شدند کودکان زیادی دچار کمبود آهن هستند، انیمیشن «کاپتان اسفناج» را ساختند و پس از چند سال، آمارها نشان داد که کمبود آهن در اطفال به طور چشم گیری کاهش یافته است. این نمونه و تبلیغات تدریجی رسانه ها و ساختار آموزش و پرورش در غرب برای جا انداختن اهمیت شیر مادر نزد افکار عمومی به ویژه مادران می توانست الگوی مناسبی برای نظام اسلامی ایران برای نهادینه کردن پوشش، پس از تصویب قانون در این زمینه باشد.

با توجه به روحیه قانون گریزی جاری در جامعه ایران که نمونه های آن در رفتارهای مالیاتی، ترافیکی و بهداشتی مردم ایران به چشم می خورد، نظام اسلامی توانست در اجرای قانون استفاده از کمربند در اتومبیل ها، روش مناسبی را در پیش بگیرد. در این طرح اعلام شد که قرار است شش ماه دیگر، این قانون به اجرا درآید. گستره اجرای آن نیز ابتدا در بزرگ راه ها اعلام شد. سپس با شیوه های گوناگون، آگاهی بخشی و تبلیغ لازم صورت گرفت و جریمه مناسبی هم برای خلاف کاران تعیین شد. به این ترتیب، در کمال ناپاوری، مردم عادت کردند از کمربند استفاده کنند. حال اگر شبیه چنین فرآیندی درباره حجاب، اجرا می شد، می توانستیم پی آمدهای خوش آیندی را انتظار داشته باشیم. نظام اسلامی پیش از بستر سازی مناسب فرهنگی برای تبدیل حجاب و چادر به ارزش فرهنگی و علمی، آن چه را در ذهن بسیاری از گروه های اجتماعی با عقب ماندگی و بی فرهنگی یک سان بود، بر جامعه تحمیل کرد. شیوه رفتار اسلام با پدیده های ناپسندی مانند برده داری، شراب خواری و ربا، سرمشق مناسبی برای جامعه کنونی ماست. در جامعه دوران پیامبر اعظم (ص)، با این منکرات از آن نظر که تا پیش از آن منکر دانسته نمی شد، با زمینه سازی مناسب برخورد شد. شایسته است در برخورد با بی حجایی و بدحجایی نیز روش اصیل اسلامی را الگو قرار دهیم و از افراط و تفریط در این زمینه پرهیزیم. پس از اشاره به این نقطه ضعف به پی گیری سایر

آسیب‌های رفتاری نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم:

آسیب دوم: ضعف دیگر سیاست‌گذاران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، رعایت نکردن هم‌آهنگی در طرح احکام اسلامی و پافشاری بر اجرای آنهاست. در جامعه‌ای که احکام اقتصادی اسلام و روح عدالت‌خواهی به ویژه در عرصه اقتصادی، گاه تعطیل شده و گاه به صورت نیمه تعطیل درآمده است؛ شکاف فقیر و غنی تا حد آزاردهنده‌ای رو به افزایش است؛ عدالت اقتصادی حتی در پرداخت هم‌آهنگ دست‌مزد کارمندان رعایت نمی‌شود و پس از گذشت چند دهه از انقلاب، هنوز زکات که پس از اقامه نماز از مهم‌ترین واجبات است، بی‌سرنوشت رها شده است، چراً درباره حکمی از احکام اسلامی به صورت مجرد و جدا از بقیه احکام باید چنین پافشاری شود. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، حکم حجاب در قرآن کریم در چارچوب عفاف، زیبا و ثمربخش خواهد بود، نه به صورت مجرد از آن. اهمیت دادن به ضرورت کاربرد روسری و پوشش، پیش از توجه به تحریک‌آمیز نبودن رفتار و پوشش، سبب می‌شود افرادی که ضرورت موضوع برای آنان تبیین نشده است، برای مقابله با طرح نظام، به رفتارهای منفی مانند آرایش‌های غلیظ و اغراق‌آمیز چهره روی آورند.

آسیب سوم: ناهم‌آهنگی در تصمیم‌گیری‌ها و اختلاف سلیقه میان اعضای حاکمیت نظام اسلامی، سبب آسیب‌پذیری اجرای قاطع حجاب در جامعه شده است؛ زیرا گاه بر ضرورت چادر و رنگ خاصی تأکید می‌شود و گاهی دیگرگونه برخورد می‌کنند.

آسیب چهارم: در هم‌آمیختن عادت‌ها و آداب ایرانی با حجاب با توجه به واجب بودن احکام اسلامی، کار را پیچیده‌تر کرده است. نظام اسلامی در گام نخست، باید حجاب و حدود آن را از دیدگاه قرآنی و اسلامی برای مردم تبیین می‌کرد، سپس آنها را در پذیرش شکل حجاب آزاد می‌گذاشت. هم‌چنین

۱۳۸۶

چادر را به عنوان لباس ایرانی، نه اسلامی معرفی می کرد. برای تقویت وحدت ملی، «چادر ایرانی» را برمی گزید. افزون بر آن، با طراحی مناسب، از ایرادهای چادر ایرانی که مانع فعالیت راحت زن در سطح جامعه می شود، می کاست. در این صورت، از عادت ها و آداب ایرانی برای علاقه مند ساختن مردم به حجاب، بیشترین بهره به دست می آمد.

آسیب پنجم: همان گونه که در آغاز نوشتار بیان شد، رعایت حجاب کامل به مسلمانان جامعه محدود می شود و زنان اهل کتاب و غیرمسلمان را در بر نمی گیرد. قرآن، حجاب کامل برای پوشش سر و بدن را افتخار زن مسلمان می داند، به گونه ای که غیرمسلمانان به چنین افتخاری دست نمی یابند و فرهنگ سازی قرآن در این راستا صورت گرفته است.

آسیب ششم: نظام اسلامی در اجرای حکم حجاب، گاه برخی حلال ها را حرام کرد. برای نمونه، دختران در مدرسه های دخترانه باید از پوشش کامل اسلامی معاف باشند، در حالی که اکنون در کلاس و در حضور معلمان زن باید از مقنعه یا روسری استفاده کنند. برخی حتی عذر بدتر از گناه آوردند و گفتند دلیل این کار آن است که دختران از درس و علم غافل نشوند و آرایش موی هم کلاسی هایشان، حواس آنها را پرت نکند. در حالی که سیاست گذاران فرهنگی می توانستند با آزاد گذاشتن دختران در پوشش در دوران یاد شده، حفظ سادگی، پاکیزگی و آراستگی را به آنان بیاموزند. بی شک، زنان جامعه در زندگی آینده خود به هر سه مورد نیاز دارند.

در پایان می توان به این نتیجه کلی دست یافت که موفقیت های جمهوری اسلامی مرهون تبعیت و الگوگیری این نظام از اسلام و اصول و روش های قرآنی است و ضعف ها و آسیب هایش، علاوه بر قرار گرفتن در کوران تهاجم فرهنگی و مشکل عمیق غرب زدگی و بی هویتی، فاصله گرفتن از روش ها و اصول اسلامی است.